

 تنديس اهدايي به سرهنگ دكتر رحيم‌نيا

 (دندان‌پزشک) به سبب معالجه اسراي عراقي

**اسرای عراقی،** خدمات پاراکلينيکی و دندان‌پزشکیدر طول مدت اسارت به‌صورت پیوستهبهاسيران عراقي ارائه می‌شد و کارشناسان اپتومتري از بیمارستان‌های ارتش، به اردوگاه‌هاي نگهداري اسيران عراقي اعزام می‌شدند (سند: 150/2/03-901/- 14/7/1371) سرهنگ دكتر محمدرضا رحيم‌نيا (رئيس بيمارستان 550 مشهد از 1386تا 1392)كه مدتي نيز به‌عنوان دندان‌پزشک در اردوگاه اسيران عراقي در تربت‌جام فعاليت کرده است، در این رابطه می‌گوید: «من در اسفند 1369در بيمارستان 555 تربت‌جام مشغول خدمت بودم. اردوگاه اسيران عراقي نيز در پادگان تربت‌جام قرار داشت كه حدود هزار اسير بعثي عراقي در آن نگهداري می‌شدند. سرهنگ دكتر قدسي (رئيس بيمارستان 555 تربت‌جام) به من گفت: تعدادي از اسيران اين اردوگاه مشكل دندان دارند. شما آمادگي داشته باشيد كه براي معالجه آن‌ها به اردوگاه برويد. روز بعد، سرهنگ غلامي (فرمانده اردوگاه اسرا) به بيمارستان آمد و مرا با خود به اردوگاه برد. از همان ابتداي ورود، متوجه شدم كه ضوابط امنيتي اين اردوگاه بسيار جدي و سخت‌گیرانه است؛ به‌گونه‌ای كه حتي داخل و زير خودرو فرمانده اردوگاه را نيز وارسي می‌کردند. در داخل اردوگاه، اتاقي را براي خدمات دندان‌پزشكي در نظر گرفته بودند كه فقط داراي دو تا صندلي معمولي (يكي براي دندان‌پزشک و يكي براي اسير بيمار) و چند عدد فورسپس (انبر دندان‌كشي) و وسايل بی‌حسی موضعي بود. من براي كشيدن دندان، صندلي بيمار را روي پايه‌هاي عقب به ديوار تكيه می‌دادم تا حالت سر بيمار به‌گونه‌ای باشد كه داخل دهان او را ببينم و بتوانم دندانش را بكشم. در روز اول حدود پنجاه نفر از اسرا پشت درب اتاق صف كشيدند؛ اما به سبب محدوديت وسايل دندان‌پزشكي، كاري به‌جز كشيدن دندان از دستم برنمي‌آمد. در طول يك ماه، حدود پنج جلسه به اين صورت گذشت و من فقط دندان‌‌هايي را كه قابل‌ترمیم نبود، كشيدم و براي بقيه بيماران دارو تجويز كردم. بعد از پنج جلسه، احساس كردم كه دستم در اينجا بسته است؛ يعني هم تردد به داخل اردوگاه مشكل بود و هر بار، فرمانده اردوگاه خودش سراغم مي‌آمد و مرا با خود می‌برد و هم اینکه امكانات محدود بود و دستگاه تراش و تجهيزات ديگر وجود نداشت. من به‌سرهنگ دكتر قدسي پيشنهاد كردم كه اگر امکان‌پذیر باشد، اسرا را براي معالجه به داخل بيمارستان ارتش بياوريم تا خدمات بهتري به آن‌ها ارائه دهيم. دكتر قدسي در پاسخ گفت كه به اين منظور، بايد جلسه‌اي با حضور فرمانده تيپ تربت‌جام، سرهنگ غلامي (فرمانده اردوگاه اسرا) و مسئولان حفاظت اطلاعات و عقيدتي- سياسي پادگان برگزار و تصمیم‌گیری شود؛ چون احتمال فرار اسرا از بيمارستان وجود دارد و بايد همه جوانب آن سنجيده شود. جلسه هم‌اندیشی مسئولان برگزار شد و تصميم گرفتند كه اگرچه اسيران اين اردوگاه همگي از سنگدلان بعثي و طرف‌داران سرسخت صدام هستند؛ اما براساس رأفت اسلامي بايد از امكانات پزشكي و دندان‌پزشكي بيمارستان بهره‌مند شوند. به‌این‌ترتیب اسيران بيمار عراقي از ابتداي 1370 تحت تدابير امنيتي با حضور نگهبان مسلح و داشتن دست‌بند و پابند، به بيمارستان اعزام می‌شدند و هفته‌اي دو روز و هر جلسه، ده نفر از خدمات دندان‌پزشكي استفاده می‌کردند و چون در داخل بيمارستان، يونيت دندانپزشكي و امكانات ترميم دندان وجود داشت، ارائه خدمات نيز گسترش يافت و در مدت چهار سال كه من در آن بيمارستان بودم، درحدود 800 بيمار عراقي تحت درمان خدمات دندان‌پزشكي قرار گرفتند. در ميان اسيران، يك پزشك عراقي به نام دكتر ليث حضور داشت كه درمان‌های عمومي آن‌ها را انجام می‌داد و بيمارستان ارتش سهميه ماهيانه دارو مانند آمپول پنی‌سیلین، سرم و مسكن براي او قرار داده بود. دكتر ليث همچنين در هنگام اعزام بيماران به بيمارستان، آن‌ها را همراهي و در صورت لزوم، صحبت‌های اسرا و پزشكان را ترجمه می‌کرد. البته او فارسي نمی‌دانست و عربي را به انگليسي ترجمه می‌کرد. به‌طور مثال من به زبان انگليسي به او می‌گفتم: از بيمار بپرس كه آيا دندانش بی‌حس شده است؟ دكتر ليث به زباني عربي از اسير می‌پرسید: خِدِر؟ كم‌كم من هم از صحبت‌های او كمي عربي ياد گرفتم و خودم همين كلمه را از بيمار می‌پرسیدم و آن‌ها هم متوجه می‌شدند و جواب می‌دادند. فعاليت من براي بيماران عراقي به مدت چهار سال ادامه داشت تا آنکه در 1387، به بيمارستان 550 مشهد منتقل شدم. در 1387 براي تجليل از خدمات ارتش درباره نگهداري و مداواي اسراي عراقي، محفلي در مشهد برگزار شد و حدود دويست نفر از همكاراني كه به نحوي در اردوگاه‌هاي اسراي عراقي خدمت كرده بودند، در آن شركت كردند. در پايان اين جلسه، تنديسي به‌رسم يادبود به ما اهدا شد كه بر روي آن چنين نوشته است: بسمه ‌تعالی. برادر ارجمند سرهنگ دكتر محمدرضا رحيم‌نيا! دستان پرمهر شما سايبان خوش‌رنگی از پيام معنوي امام راحل بود كه شور زندگي و اميد را در دل اسيران عراقي زنده نگه داشت و حياتي دوباره به آنان بخشيد. اين تقديرنامه و تنديس به‌پاس تلاش‌های اسلامي، انساني جناب‌عالي براي نگهداري اسراي عراقي در سال‌هاي دفاع مقدس تقديم مي‌شود. اميد دارد با عنايات ايزد متعال و رهنمودهاي مقام معظم فرماندهي كل قوا درراه اعتلاي اهداف مقدس نظام جمهوري اسلامي ايران همواره موفق و مؤيد باشيد. امضا: رئيس دفتر حفاظت اطلاعات فرماندهي كل قوا: سرتيپ ستاد سید‌حسام هاشمي. **مآخذ**: رحیم‌نیا، محمدرضا، مصاحبه شماره8، مشهد، ۱۳۹۴؛ سند: 150/2/03-1-9/13- 14/7/1371، دبیرخانه شورای عالی دفاع،کمیسیون اداره اسرای عراق.